

اصطلاحات و مفاهیم کلی در سنت خوش‌نویسی که قابلیت تغییر و تأویل چندوجهی ذوقی دارند، تذکاری است بر دشواری تحلیل‌ها که به سختی امکان عرض اندام و خروج از دایره آن مفاهیم و اصطلاحات کلی را می‌یابند و منتقد با همه هوشیاری و زیرکی در عرصه‌ای که سخت تهی از مفاهیم و اصطلاحات عینی و روشن است، ناچار به ابراز نظر می‌شود. به عبارتی میراث اصطلاحی گذشتگان برای ورود به مباحث دقیق چندان کارساز و کافی نبوده و تحلیل‌گر امروز نیازمند بازآفرینی زبانی جدید در این راه است که همین دشواری کار او را دو چندان می‌کند. جای بسی خوشوقتی است که با همه دشواری‌ها و ناشناختگی‌های این مسیر این روزها کتاب بررسی زندگی و آثار خوش‌نویسی استاد غلامحسین امیرخانی به قلم کاوه

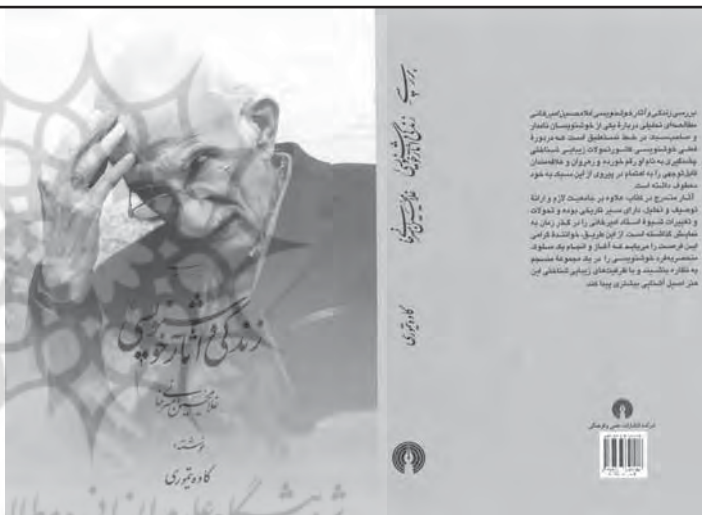
پیش از این در ارزیابی و تحلیل برخی از آثار خوش‌نویسان بزرگ تاریخ هنر ایران مقالاتی نوشته شده و یا زندگی آن‌ها مورد کندوکاو و پژوهش قرار گرفته است. اما تمام این کوشش‌ها ناظر بر بخشی از آثار و یا صرفاً زندگی آن بزرگان بوده و جامعیت لازم در معرفی آثار و ویژگی‌های برجسته هنری آن‌ها را نداشته است. از شگفتی‌ها آن‌که با همه دیرینگی و قدمت و ارج هنر خوش‌نویسی در فرهنگ ایران زمین معمولاً آثار استادان و بزرگان خوش‌نویسی معاصر کمتر به شیوه‌ای روشمند معرفی شده است و عموم علاقه‌مندان این هنر بیشتر توفیق تماشای آثار را پیدا کرده‌اند و کمتر در جریان تحلیل و ارزیابی و چگونگی روند رشد و اوج زندگی

در معرفی خوش‌نویسی برجسته؛
استاد غلامحسین امیرخانی

در کتابخانه رشد

کتابی نو

مهدی الماسی



تیموری را در پیش‌رو داریم. کتابی که پژوهش و تحلیل همراه با نمونه‌ها و تصاویر آثار خوش‌نویسی، فرصتی دلپذیر را برای ارزیابی و گلگشت علاقه‌مندان بصیر خوش‌نویسی در آثار یکی از مطرح‌ترین چهره‌های روزگار ما در خط نستعلیق فراهم می‌آورد. کتاب در اندازه رحلی و با ۶۴۵ صفحه به طبع رسیده است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب فارغ از هرگونه ارزیابی آن است که برای نخستین بار زندگی و سلوک هنری و آثار یکی از استادان برجسته خوش‌نویسی معاصر به شکل جامعی مورد کندوکاو و تحلیل قرار گرفته است.

درباره کتاب

مؤلف، کتاب را در نه فصل تنظیم کرده و کوشیده است تا ضمن تبیین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی هنرمند، سیر و سلوک او را در وادی هنر خوش‌نویسی بررسی کند.

هنری آنان قرار گرفته‌اند. آن‌چه در تذکره‌های قدیمی آمده است، غیر از سرگذشت‌نگاری همراه با توصیفات اغراق‌آمیز درباره خوش‌نویسان و خط آنان است. این مسئله که می‌تواند نقیصه‌ای در فضای هنر خوش‌نویسی ایران به‌شمار آید، دلایلی دارد که مهم‌ترین آن ضعف و بی‌بنیگی سنت نقد هنر خوش‌نویسی است؛ امری که نیازمند متخصصانی است که ضمن خبرگی و آشنایی با چند و چون ظرایف خوش‌نویسی با ادبیات نقد روشمند نیز آشنایی داشته باشند و با اشراف و شناخت کافی از مکتب‌ها و سبک‌ها و آثار خوش‌نویسی در تاریخ هنر ایران پای در این وادی بگذارند. چنین منتقدانی باید توانایی آن را داشته باشند که درباره هنر انتزاعی خوش‌نویسی به زبانی قابل فهم سخن بگویند و با ترجمه و تحلیل مختصات دیداری این هنر به زبان نوشتار، پرده از زیبایی‌های بصری خوش‌نویسی در عالم کلام بردارند. از طرفی وجود بسیاری از

رشد آموزش



دوره نهم

شماره ۳

پیاپی ۱۳۹۱

۴۲

از مهم‌ترین بخش‌های این کتاب می‌توان به فصل‌های سوم، پنجم و ششم اشاره کرد که پژوهشگر با رویکردی توصیفی و تحلیلی به بررسی مختصات و ویژگی‌های هنری، شیوه و سبک و سیر و تطور تاریخی آثار منتشر شده و قطعات امیرخانی با توجه به معیارها و موازین سنتی خوش‌نویسی و نظریه‌های زیباشناختی پرداخته است.

برخی از ویژگی‌ها و محاسن این کتاب آشکارا مستغنی از یادآوری در این مجال کوتاه است. با این همه، مرور برخی از آن‌ها خالی از لطف نیست؛ نخست آن‌که قد کشیدن این نهال برومند را در عرصه نقد خوش‌نویسی باید به فال نیک گرفت؛ چه تاکنون در چنین حجم قابل ملاحظه‌ای ابعاد و زوایای فنی آثار خوش‌نویسی مورد بررسی قرار نگرفته بود. دیگر آن‌که این کتاب دربرگیرنده بخش عمده‌ای از آثار و قطعات استاد امیرخانی است که از منابع مختلف و پراکنده قدیمی و گاه غیردسترس و نایاب گرد هم آمده‌اند و مجموع آن‌ها در کنار هم فرصت مغتنمی را برای مطالعه علاقه‌مندان و هنرجویان خوش‌نویسی فراهم می‌آورد و متضمن فواید فراوان آموزشی و تعلیمی است.

هم‌چنین در ضمن مطالعه کتاب با مطالب تازه و کمتر گفته شده‌ای مواجه می‌شویم که در جای خود بسیار ارزشمندند و توجه به آن‌ها می‌تواند برای نسل جوان و هنرجویان خوش‌نویسی بسیار راهگشا و آموزنده باشد. از این موارد می‌توان به موضوع کتابت سه هزار صفحه‌ای کتاب «طلعت‌حق» اشاره کرد که از تلاش‌های استاد امیرخانی در روزگار جوانی به‌شمار می‌آید. موضوعی که به احتمال قوی، عده اندکی از خوش‌نویسان جوان معاصر ما از آن اطلاع دارند. بی‌تردید این تلاش قابل توجه یکی از سگوه‌های مهم پرش در سلوک هنری امیرخانی است که به بیان درست مؤلف: «در کتابت این سه هزار صفحه است که امیرخانی موفق می‌شود آرام‌آرام مشکلات خط خود را حل کند و به شیوه‌ای پاکیزه که زیربنای حساب شده و ساخت و چارچوبی محکم دارد برسد.»

دقت‌نظر مؤلف و توجه او به نکات ریز و درشت زندگی شخصی امیرخانی و تحلیل و بررسی ارتباط آن‌ها با زندگی هنری و خلاقیت‌های هنرمند نشان از تلاش همه‌جانبه مؤلف برای معرفی هنرمند دارد که جذابیت‌های فراوانی را برای مخاطب هنگام خوانش کتاب فراهم آورده است.

آن‌چه در کتاب در باب تحول و سیر تطور کمالی خط امیرخانی آمده است می‌تواند روشنگر بسیاری از نقاط و زوایای تاریک در شناخت روند شکل‌گیری و کمال سبک و شیوه این هنرمند باشد. به‌خصوص بخشی که در این کتاب به گردآوری سرخط و عناوین مقالات در مجله هنر و مردم اختصاص دارد.

این خطوط شاید از معدود نمونه‌های بازمانده از خط امیرخانی در آن سال‌ها باشد که مطالعه و دقت در آن‌ها به روشنی زیر و بم و اوج و فرود این سیر و تطور را نشان می‌دهد.

مؤلف کتاب با هوشمندی، ضرورت بررسی و تحلیل این دوره حساس از سلوک هنری امیرخانی را دریافته و با گردآوری و ارزیابی آن‌ها کمک شایانی را به پژوهش‌گران خط کرده است. بی‌تردید بدون بررسی این دوره مهم از زندگی هنری امیرخانی و نمونه‌های گردآوری شده، این پژوهش ابتر می‌ماند.

توجه مؤلف به فعالیت‌های روی جلدنویسی امیرخانی نیز در این کتاب حائز اهمیت فراوان است.

بررسی قطعات و آثار کتابتی امیرخانی مانع از آن نشده تا مؤلف از روی جلدهایی که امیرخانی برای کتاب‌های مختلف نوشته است غافل شود. طراحی جلد کتاب با تکیه کامل بر هنر خوش‌نویسانی از کارکردهای جدید این هنر است که پس از رونق صنعت چاپ رواج پیدا کرد، در این میان امیرخانی از خوش‌نویسانی است که به سبب شرایط ویژه و مقبولیت خاص در حد قابل اعتنایی در این زمینه کار کرده و اکثر کارهای روی جلدنویسی وی نیز در عیار بالایی ارائه شده است. تحلیل زیباشناختی این بخش از فعالیت هنری امیرخانی و همچنین آرم نوشته‌ها و توجه به نکات گرافیکی و دیگر مشخصات فنی این آثار، چشم‌انداز روشنی از بررسی‌های هنری را در این وادی از عرصه خوش‌نویسی پیش چشم خواننده مشتاق گشوده است.

این تحلیل‌ها گاه در جایگاه خود می‌تواند فراتر از تحلیل یک روی جلد کتاب و یا یک آرم نوشته مورد توجه قرار گیرد و آموزه‌های تحلیلی همراه با نمونه اثر می‌تواند مبنای تعلیمی برخی از مفاهیم ارتباط بصری در حیطه خوش‌نویسی تلقی گردد؛ امری که فقدان منابع آموزشی آن در مراکز آموزشی هنر سخت احساس می‌شود. در بخش شگردها و نکته‌های تعلیمی در شیوه امیرخانی، آن‌چه مؤلف محترم در باب روش‌های تعلیم آورده است، غیر از موارد خاصی که جزو منش تعلیمی استاد امیرخانی در طی سالیان تدریس و تعلیم خوش‌نویسی بوده، باقی موارد در واقع ثبت بخشی از فرهنگ شفاهی تعلیم خوش‌نویسی در مراکز تدریس این هنر شریف در ایران است. این فرهنگ که به صورت مشترک و مشابهی در اغلب کلاس‌های تعلیم خوش‌نویسی ساری و جاری است. و ثبت و ضبط این حالات و روش‌ها در واقع ثبت مکتوب قسمتی از فرهنگ شفاهی هنر خوش‌نویسی محسوب می‌شود که می‌توان گفت بخشی از آن نیز از پیشینیان به ارث رسیده است.

ثبت چنین لحظات و آناتی بی‌تردید کمک شایانی است به ماندگار شدن این «فرهنگ شفاهی» که در

جریان تعلیم هنر خوش‌نویسی دم‌به‌دم در حال نوزایی و آفرینش دوباره خویش است و نشانی است از دقت و توجه مؤلف به اهمیت این مقولات در عرصه فرهنگ.

نقد و نظر

ورود مؤلف برای کندوکاو در سبک و شیوه استاد امیرخانی از جالب‌ترین بخش‌های این کتاب است و می‌تواند مورد استفاده هنرجویان خوش‌نویسی در خط قرار گیرد. برخی از این نکات به صورت ضمنی در باب سبک و نحوه ایجاد آن در این اثر مؤلف مطرح شده است. مرور این ملاحظات در این‌جا شاید بتوان گره از برخی از مسائل مطرح نشده یا مبهم بگشاید.

در متون کهن خوش‌نویسی به شیوه و سبک اشاره مستقیمی نشده است؛ فی‌المثل در رساله **آداب المشق** که منسوب به میرعمادالحسنی است به سه نوع مشق نظری، قلمی و خیالی اشاره شده و در تعریف مشق خیالی آمده است: «آن است که کاتب کند نه به طریق نقل، بلکه رجوع به قوت طبع خویش نماید و هر ترکیب که واقع شود و فایده این مشق آن است که کاتب را صاحب تصرف کند.» که می‌تواند اشاره غیرمستقیم به نحوه ایجاد سبک و شیوه شخصی خوش‌نویسی باشد.

هنر خوش‌نویسی در شاکله کلی خود هنری است که از یک‌سو بر یافته‌های هنرمندان در گذشته و استادان متقدم وابسته است و از دیگر سو به تلاش‌ها و ابتکارات و خلاقیت خوش‌نویسان متأخر؛ به نحوی که خوش‌نویس در روند کار هنری و پیشرفت حرفه‌ای خویش در وهله نخست کوشش مستمر و پیوسته‌ای را برای همانندسازی و نظیره‌نویسی از روی خط استاد (یا نمونه‌های آثار برجسته استادان متقدم) به‌کار می‌برد و تمام هم و غم او حداقل برای چند سال صرف اجرای موبه‌موی سرمشق استاد و آموختن فنون خط می‌شود. مشق نظری و مشق قلمی پیوسته از روی خط استاد سرانجام هنرجوی خوش‌نویس را با توجه به استعداد و تلاشی که در این راه بذل و صرف می‌کند، به توفیقی نسبی در این زمینه می‌رساند؛ به گونه‌ای که خط او می‌تواند بازتابی از خط و سبک استادش باشد؛ هر چند درصدی از تفاوت میان اصل و بدل وجود خواهد داشت. درصدی از تفاوت که محل زاده‌شدن عناصر سبکی شخصی هستند. باید به یاد داشته باشیم که خوش‌نویسی از هنرهایی است که بداهه‌پردازی در آن نقش بارزی ایفا می‌کند و اجرای صحیح در حرکت و حرف و کلمه بر صفحه به عوامل فراوانی در همان لحظه

بستگی دارد. این عوامل، حالت درونی و تمرکز خوش‌نویسی تا کیفیت و ویژگی ابزار، و وضعیت روحی و جسمی او را دربرمی‌گیرد. چنان‌که امکان تصحیح و پاک کردن اثر نیز وجود ندارد و تغییر یا اصلاح یک حرکت نیازمند اجرای دوباره آن است.

خوش‌نویسانی که هم و غم آنان در نظیره‌نویسی یک اثر برجسته از استادی ممتاز و شناخته شده خلاصه می‌شود، علی‌رغم شباهت فراوانی که آثارشان با آثار اصل دارد، خطشان فاقد خصایص و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سبکی است و در واقع روایتگر سبک‌های استاد خود هستند و آثارشان معمولاً از حیثه تقلید یا دنباله‌روی از سبک‌های شناخته شده فراتر نمی‌رود. اما هنرمندان صاحب سبک از آن‌جا که صاحب تصرفاند، شاکله کلی خط خود را از جریانی در سنت خوش‌نویسی در ادوار تاریخی کسب می‌کنند و با تأکید بر ذوق و خلاقیت فردی موفق به تصرفاتی در شیوه خط یا سبک غالب روزگار خود می‌شوند و آثاری با ویژگی‌های خاص که دارای شناسنامه و هویتی مخصوص به خود هستند، پدید می‌آورند.

این ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها در آثار هنرمندان خلاق قابل تشخیص و بازیابی هستند و اثر هنرمند را صاحب تشخیص می‌کنند تا حتی بدون امضای وی نیز قابل شناسایی باشند. در چنین روندی، سیر تحولات و تطورات سبکی در هنر خوش‌نویسی بسیار کند و بطئی پیش می‌رود؛ تا حدی که برخی را به این توهم می‌اندازد که خوش‌نویسی چیزی جز تکرار مکررات نیست.

اگر مؤلف محترم آن‌جا که به تبیین شیوه و سبک استاد امیرخانی کوشیده و با استفاده از نظرات برخی از استادان و شاگردان برجسته وی درصدد تشخیص افتراقات و امتیازات و شباهت‌های خط امیرخانی با دیگران است، موضوع سبک‌شناسی در خوش‌نویسی را به شکل گسترده‌تری دنبال می‌کند و مؤلفه‌های سبکی خط استاد امیرخانی را با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار می‌داد، بی‌شک نتیجه‌پژوهی و جست‌وجوی او قرین توفیق بیشتری در عرصه مباحث نظری و شیوه پژوهش خوش‌نویسی می‌شد.

هر چند که البته بیان این مورد، نافی تلاش‌های ارزنده مؤلف در این مورد نیست و امیدواریم با دقت نظری که در عرصه نقد خوش‌نویسی در این کتاب از خود نشان داده است، در آینده شاهد آثار ارجمند دیگر ایشان باشیم. کتاب از آن‌جا که سلوک هنری چهره‌ای ماندگار و الگوی هنری شایسته‌ای را روایت می‌کند، منبع بسیار مهمی برای استفاده دبیران و مدرسان هنر به حساب می‌آید.

منتخب آثار میرعماد الحسنی در موزه رضا عباسی - نشر سبحان نور - اسفند ۱۳۸۹

میرعماد الحسنی (۱۰۲۴-۰۹۶۱ ه.ق) از استادان دوران ساز در هنر خوش‌نویسی به شمار می‌رود. استادی که نام وی همراه با قطعه معروف سوره حمد در کتاب درسی هنر دوره راهنمایی آمده است. بدین لحاظ آشنایی بیشتر با هنر میرعماد برای معلمان و مدرسان هنر ضروری است.

کتاب منتخب آثار دربردارنده ۱۶ اثر از میرعماد است که شامل چلیپا و نستعلیق دفتری است. اصل این آثار در موزه رضاعباسی نگهداری می‌شود و چاپ آن‌ها در این مجموعه فرصتی را برای استفاده اهل هنر فراهم ساخته که به برخی از زوایا و ظرافت‌های نظام هندسی میرعماد در خط نستعلیق پی ببرند.

در کتاب نوشتاری کوتاه و مفید در معرفی میرعماد آمده است که مطالعه و مرور آن، منتخب آثار را جذاب‌تر می‌کند. تهیه این کتاب برای کتابخانه عمومی مدرسه یا قرار دادن آن در قفسه کتاب کارگاه هنر مدرسه پیشنهاد می‌شود.



منتخب آثار چلیپا در موزه رضا عباسی - نشر سبحان نور - اسفند ۱۳۸۹

این مجموعه در بردارنده ۴۰ قطعه از چلیپاهایی است که از مجموعه‌های ارزشمند موزه رضاعباسی انتخاب شده و به شکل نفیس و چشم‌پسندی به چاپ رسیده است. چلیپا قالب

کهنی است که به رغم قدمت دیرپای آن در خط مانند قالب غزل فارسی هرگز فرسایش نیافته بلکه به دلیل ماندگاری و جوابگویی آن در خوش‌نویسی، بر اعتبار آن افزوده شده است. این مجموعه با این‌که همه در قالب چلیپا نگاشته شده اما از تنوع نیز برخوردار است. چلیپاهای سه سطری، داشتن بیت‌هایی به عنوان حاشیه، تلفیق چلیپا، نستعلیق دفتری، نثرهای مورب، تلفیق چلیپا با کتابت، تلفیق چلیپا با حواشی ثلث، رنگینه‌نویسی و... است.

مقدمه‌ای مبسوط در کتاب درج شده که با تبارشناسی کاملی از واژه چلیپا به گلگشت قطعات کتاب می‌پردازد.

ویژگی مهم این مجموعه برقراری هماهنگی بین چلیپا با تذهیب و تشعیرهای هنرمندانه‌ای است که باعث به وجود آمدن قطعه‌پردازی‌های شکیل شده و تمام این موارد نمایش‌دهنده برگ‌هایی از مرقع‌های قدیمی و در نهایت نمونه‌هایی اعلا از هنر کتاب‌آرایی و قطعه‌سازی است. از نظر زمانی بیشترین قطعات به دوران تیموری، صفوی و اوایل قاجار مربوط می‌شود. در مجموع به خاطر چاپ نفیس، این مجموعه می‌تواند گنجینه‌ای باارزش و موزه رضا عباسی را پیش روی معلمان، مدرسان و علاقه‌مندان هنر قرار دهد.

